

## دوسند درباره استقراض داخلی در عصر مشروطیت

درمیان اوراق بازمانده ازسید حسن تقی‌زاده که به لطف خانم عطیه تقی-زاده دیده‌ام دو سند درباره اعانه و استقراض، یکی از اواخر دوره مجلس اول (بعثت آنکه در آن از بانک ملی که قانون تأسیس آن در سال ۱۳۲۴ گذشت یاد شده است و نیز ذکر ورثه اتابک در آن آمده است). و یکی از دوره دوم مجلس بدستم افتاد. سند اول ورقه‌ای است بی تاریخ و به خطی ریز و آن پیشنهادی است برای اخذ اعانه و استقراض داخلی از صاحبان مکنت بمنظور تقویت بنیه مالی مملکت و اصول مشروطیت. از طرز بیان مطالب و مخصوصاً اشاره‌ای که به بانک ملی شده است و نیز ذکر اسامی اشخاص معلوم است که مربوط به دوره اول مجلس شورای ملی است. نویسنده این پیشنهاد معلوم نیست کیست؟ البته اگر خط شناخته شود نویسنده پیشنهاد شناخته میشود. تا کیداً باید گفت که مطالب مطروحه در آن باسیاق نگارش و طرز فکر تقی‌زاده تطبیق ندارد.

### سند اول

هو الله تعالی

برواقفان رموز مشروطیت مخفی و پوشیده نمی باشد که اس اساس دولت مشروطه از ملت است و قوت پشت ملت از اتحاد دولت و وکلای دارالشورای ملی می باشد و این دو یعنی هیئت و کلای کرام و وزرای فخام کاری صورت ندهند جز به قوت ثروت . پس در هر دولت مشروطه که ثروت و استطاعت نباشد بر ملت حتم است بتمام قوا از دولت نگاه داری نماید و تا ممکن است نگذارد که دولت دچار بعضی مشکلات گردد و حتی المقدور حوایج دولت را بهر طریقی که می داند بر آورده و حفظ حقوق و حدود دولت را بنماید . در این اوان از بدبختی ما ایرانیان که از شش جهت انقلابات داخلی و اغتشاشات خارجی این مملکت را احاطه کرده و در اول طلوع آفتاب مشروطیت که باید ممالک وسیع متمدنه شش هزار ساله بدان روشن و تمیز داده شود ابر تیره قیرگون (۱) حوادث و اغراض نفسانیه چشمهای تازه بیدارشدگان انزوای غفلت را حاجب و مانع است که مشاهده جمال با کمال عروس مه طلعت مساوات را بنمائیم و دیوان آدمی خوار اجانب و مفسدان سر تا پا معایب رادعند که تا از آن نوع عروس تمتعی حاصل کنیم .

در این صورت با چنین حوادث چگونه می توانیم که هم آغوش یار بردبار حریت وهم - صحبت شاهد زیبایی مودت شویم . پس بر فردا فرد ما اهل مملکت واجب و لازم است که تارفع

این بلیات و دفع این اجحافات را ننمائیم دقیقه‌ای راحت نکنیم وساعتی آسایش نطلبیم شاید به قوت اتحاد و مدد اتفاق یوسف مصر مشروطه را از دست اخوان مستبد و از چنگال گروگان مستعد برهانیم .

در این خصوص دو طریق منظور است :

طریق اول بنظر بعضی از عملا و برخی از خواص چنین جلوه گر است که از اهل این شهر وجه **اعانه‌ای** علی قدر استطاعتهم دریافت داشته و بمصرف آذوقه و تهیه اسلحه (۱) عسکریه رسانیده و آنها را برای انتظام سرحدات مأمور دارند. ماشبهه (۲) را قوی گرفته عده نفوس شهر را به يك كروز تصور کرده نصف آن که عجزه و مساکین و به قوت لایموتی زنده اند و به طرف آنها نمی‌شود قدم رنجه داشت و نصف دیگر که ممکن است وجهی بدهند آن هم نصف می‌شود . يك قسمت به روزی دوهزار و سه هزار دینار اجیر و مستخدم می‌باشند که از مخارج یومیه برای فردا دیناری ذخیره ندارند و قسمت دیگر پس از شش ماه دوندگی و تشویق و ترغیب (۳) اگر بخواهند همراهی نمایند احتمال می‌رود که پنجاه هزار تومان عاید شود و اگر بخواهند از کلیه اهالی ایران وجه اعانه دریافت دارند آنها بترتیب سابق باید فرض کرده بگوئیم يك كروز تومان در صورت ... (۴) هم وقت منقضی شده است و هم بدنامی حاصل.

طریق دوم به عقیده این بنده نگارنده این است که دولت و ملت به معاضدت یکدیگر اغراض شخصی را کناری گذارده بدون ملاحظه قوم و خویش و وابسته از اشخاصی که ذیلاً مندرج می‌شود وجهی به عنوان **استقراض** دریافت کرده و در **بانک ملی** بگذارند و از هر طبقه چند نفر مردمان خبیر و بصیر و مقدمین را به بانک مزبور بگمارند که به نظارت (۵) آنها کارهای درهم و برهم را رونقی دهند و این مسئله منوط به يك شرط است که باید شخص مقدس اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه بذاته در این صراط قدم رنجه داشته و اعلام فرمایند که کلیه علما و جمیع و کلا و وزراء و تمام شاهزادگان و رجال دولت و اکثر تجار محترم در حضور مبارک همایونی ارواحنا فداء تشکیل مجلس داده به زبان معجز بیان فرمایند که ای علمای اعلام و ای و کلای کرام و ای شاهزادگان و رجال عظام و ای تجار محترم همه می‌دانید که من در زمانی قدم به تخت سلطنت نهادم که نه در دولت استقامتی می‌باشد و نه در ملت بضاعتی فراهم و در دوره‌ای تاج شاهی به سر گذاردم که در تمام مملکت انقلابات فراهم بود و در وقتی به سلطنت ایران نایل شدم که رشته کارها از هم گسیخته و هر ج و مرج جمیع مملکت را فرا گرفته و احاطه نموده بود .

حال که سر نوشت دوره سلطنت من این است باید چاره کرد و رفع این بلیات را نمود. ای ابناي دولت و ملت بیائید و همتی کنید و در تاریخ وقایع عالم نامی از خودتان به یادگار بگذارید و هر يك بقدر استطاعت وجهی که از جانب من و به امر من در باره شما نوشته می‌شود به **بانک ملی** کارسازی دارید که هم وجوهات شماها بی‌فایده نماند و هم رفع حوائج دولت و ملت شده باشد. و اشخاصی که باید حکماً وجه استقراض به **بانک ملی** کارسازی دارند

۱ - اصل : تحیه اصلحه

۲ - اصل : شبه

۳ - اصل : ترقیب

۴ - يك كلمه ناخوانا

۵ - اصل : نضارت

از این قرار است :

و به عقیده این بنده نگارنده چاره جز این نیست و اسامی را به ترتیب کم و زیادی وجه مرقوم می‌دارد. امیدست که نیت صادقانه نگارنده کار صورت دهد.

سید مرتضوی ، صد هزار	اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنافداه
ناصرالدین میرزا ، پنجاه هزار	دو کروور تومان
مشیرالسلطنه ، پنجاه هزار	ظل السلطان ، یک کروور
جلال الدوله ، پنجاه هزار	نایب السلطنه ، یک کروور
مجدالدوله ، پنجاه هزار	عین الدوله ، یک کروور
قوام الدوله ، پنجاه هزار	امین الضرب ، یک کروور
اقبال الدوله ، پنجاه هزار	قوام الملك ، یک کروور
علاء الدوله ، پنجاه هزار	شعاع السلطنه ، دو یست هزار تومان ،
مخبر الدوله ، پنجاه هزار	( سیصد )
عضد الدوله ، پنجاه هزار	فرمانفرما ، دو یست هزار تومان ( سیصد )
سردار افخم ، پنجاه هزار	نیر الدوله ، دو یست هزار تومان
وزیرا کرم ، پنجاه هزار	آصف الدوله ، دو یست هزار
سردار مکرم ، پنجاه هزار	سپهدار ، دو یست هزار ( سیصد )
نظام الدوله ، پنجاه هزار	امیر افخم ، دو یست هزار ( سیصد )
سعد الملك ، پنجاه هزار	نظام السلطنه ، دو یست هزار ( یک کروور )
ضیاء الملك ، پنجاه هزار	ورثه اتابک مرحوم ، دو یست هزار
بهاء الملك ، پنجاه هزار	( سیصد )
امین الملك ، پنجاه هزار	ورثه حاجی آقا محسن ، دو یست هزار
علاء الملك ، پنجاه هزار	متولی باشی قم ، دو یست هزار
ناصر السلطنه ، پنجاه هزار	ارباب جمشید ، دو یست هزار
سردار مفخم ، پنجاه هزار	آقای نجفی ، صد هزار
حاجی محمد اسماعیل مغازه ، پنجاه هزار	مشیر الملك ، صد هزار
حاجی علی شالچی ، پنجاه هزار	مؤتمن الملك ، صد هزار
حاجی محمد تقی شاهرودی ، پنجاه هزار	معین التجار بوشهری ، صد هزار ( دو یست )
حاجی محمد علی کاشی ، پنجاه هزار	امیر بهادر جنگ ، صد هزار
امام جمعه ، سی هزار	سردار اکرم ، صد هزار
ظہیر الاسلام ، سی هزار	ارفع الدوله ، صد هزار
عضد الملك ، سی هزار	حاجی ملک التجار ، صد هزار ( دو یست )
سالار الدوله ، سی هزار	سردار منصور ، صد هزار
امیر اعظم ، سی هزار	میرزا محمد حسین ... ، صد هزار

حاجی دبیرالدوله ، بیست هزار  
 موثقالدوله ، ده هزار  
 وزیر مخصوص ، ده هزار  
 فخرالملك ، ده هزار  
 موثقالملك ، ده هزار  
 حاجی امجدالدوله ، ده هزار  
 مختارالدوله ، ده هزار  
 فتح السلطان ، ده هزار  
 ناصرالدوله ، ده هزار  
 ناصر السلطان ، ده هزار  
 محتشم السلطنه ، ده هزار  
 آقا میرزا کاظم آقا ، ده هزار  
 بهاءالدوله ، ده هزار  
 معینالدوله ، ده هزار  
 وکیلالدوله ، ده هزار  
 سهمالملك ، ده هزار  
 صدرالملك ، ده هزار  
 امینالتجار ، ده هزار  
 مقدرالسلطنه ، ده هزار  
 صدرالسلطنه ، ده هزار  
 سهامالدوله ، ده هزار  
 ظفرالسلطنه ، ده هزار  
 معتضدالملك ، ده هزار  
 وکیلالسلطنه ، ده هزار  
 معتمد خاقان ، ده هزار  
 آقا میرزا محمود اصفهانی ، ده هزار  
 نیرالملك ، ده هزار  
 آقا میرزا علی اکبر نخجوانی ، ده هزار  
 مشارالدوله ، ده هزار  
 وزیر اخصم ، ده هزار  
 حاجی ربیع آقا ، ده هزار  
 جمع کل پانزده کسور و دو بیست هزار  
 تومان

سیفالملك ، سی هزار  
 سردار معتضد ، سی هزار  
 ساعدالملك ، سی هزار  
 سردار اعظم ، سی هزار  
 مدیرالملك ، سی هزار  
 محتشمالملك ، سی هزار  
 سعیدالسلطنه ، سی هزار  
 عزالدوله ، سی هزار  
 سردار امجد ، بیست هزار  
 حاجی سیفالدوله ، بیست هزار  
 حشمةالدوله ، بیست هزار  
 وزیرهایون ، بیست هزار  
 ناظم السلطنه ، بیست هزار  
 سعیدالدوله ، بیست هزار  
 آقای بحرینی ، بیست هزار  
 وزیر تشریفات ، بیست هزار  
 معتمدالسلطنه ، بیست هزار  
 وزیر دربار ، بیست هزار  
 مشیر خلوت ، بیست هزار  
 حاجی علی محمد اصفهانی ، بیست هزار  
 آقا محمد صادق ارباب ، بیست هزار  
 افتخارالتجار ، بیست هزار  
 معاون السلطان ، بیست هزار  
 صدق السلطنه ، بیست هزار  
 رئیسالتجار ، بیست هزار  
 بنان السلطنه ، بیست هزار  
 حاجی فرج آقا ، بیست هزار  
 ثقةالملك ، بیست هزار  
 مستشارالملك ، بیست هزار  
 علاءالسلطنه ، بیست هزار  
 امیر نظام ، بیست هزار  
 وزیر نظام ، بیست هزار  
 ناصرالملك ، بیست هزار

## سند دوم

سند دوم تلگرافی است حضوری که از طهران به تبریز در ۲۲ صفرالمظفر ۱۳۲۸ مخابره شده است. موضوع آن مخالفت با استقراض خارجی است که دولت درباره آن اقداماتی را شروع کرده بوده است. تلگراف به مهر تلگرافخانه تهران است. معلوم می شود سوادى است از اصل مخابره شده. این سواد همراه نامه‌ای است از اداره ریاست تلگراف مورخ ۲۳ صفر ۱۳۲۸ و به امضای اکبر به شرح زیر :

«هو . قربانت شوم . صورت مخابره حضوری تبریز را که دیروز مبادله شده خدمت حضرت تعالی تقدیم داشت. ولی يك مطلب دیگر بعد از تشریف بردن حضرت تعالی و آقایان و کلاهی محترم از تلگرافخانه از تبریز رسید و صورت آن را روی تمام اوراق تلگرافی که جو ف پاکت است گذارده که از نظر مبارک حضرت تعالی بگذرد و لایقره نماند. زیاده عرض است. عهد ملاطفت مستدام باد. اکبر»

در این تاریخ تقی زاده (۱) علی الظاهر در استانبول بوده است و این تلگراف را گیرنده سواد تلگراف و نامه منضم بدان (۲) برای اطلاع تقی زاده به استانبول فرستاده بوده است .

## حضور آقایان دامت تأئیداتهم

در خصوص استقراض خارجی سؤال فرموده اید تفصیل آن از این قرار است که از بدو روی کار آمدن دولت جدید برای تنظیم و تأمین کلیه ممالک محروسه و تدمیر اشرار و اصلاحات مهمه مملکت احتیاج شدید خود را به وجوه نقدی و يك مبلغ مهم فوری حس کرده و روز به روز این احتیاج شدت پیدا می کرد، چرا که از چهار سال پیش باینطرف تقریباً خزانه دولت بکلی خالی و دست اولیای امور بواسطه اسرافات گذشتگان و استقراض متوالیه از هرچشمه عایدات تهی مانده .

همان درحیات مظفرالدین شاه پیش از افتتاح مجلس اول قرار يك استقراضی به مبلغ چهارصد هزار لیره انگلیسی از دولتین همسایه به تنصیف داده شده بود و پس از افتتاح مجلس اول فوراً لایحه حاضر شده آن به مجلس تقدیم شد که با کمال عجله و تهالك در گذراندن آن سعی وافى و شتاب داشتند و همانطور که می دانید در رمضان ۱۳۲۴ پس از يك ماه مذاکرات از مجلس رد شد که بانك ملی (۳) در عرض آن تأسیس شود. تفصیلات دوره مجلس سابق و زحمات

۱ - می دانیم تقی زاده در دوره دوم مجلس به عنوان مرخصی از ایران رفت و طبق اطلاعی که از ماخذ به دست می آید او در روز اول صفر از تبریز به سوی ارزروم حرکت کرد .

۲ - ممکن است گیرنده نامه مستشارالدوله بوده است .

۳ - اعلان تأسیس بانك ملی در ۱۳ ذیقعدة ۱۳۲۴ منتشر شد سرمایه آن سی کرویر پیش بینی شده بود . فرمان اعطای امتیاز آن به صاحبان سهام به مدت یکصد و ده سال در ذی الحجة همان سال صادر گردید . برای تفصیل به «تاریخچه سی ساله بانك ملی ایران» (تهران ؛ ۱۳۳۸) صفحه ۷۵ بیعد مراجعه شود.

فوق‌العاده دولت در آن دوره از تنگدستی و پیدا کردن از آن طرف و اینطرف آخرین قطره‌های ذخیره دولت و منابع امید مملکت را به مصرف رسانیدن آنها مشروحاً معلوم است .

بعداز واقعه خرابی مجلس و عود استبداد نیز چنانکه می‌دانید يك سال تمام دولت سابق در تجدید آن استقراض سابق چهار کروی سعی کرده و برای مضایقه دولتین و امتناع آنها بدون تصویب مجلس ملی مساعی دولت به هدر رفت و موفقیت حاصل نشد، مگر بعداز اعلان مشروطیت که آن وقت دولتین راضی شدند که علی‌الحساب دو کروی به دولت محمد علی میرزائی بدهند به شرایط سختی که دولت روس يك کروی حصه خود را بعداز اعلان انتخابات و دولت انگلیس يك کروی بعداز افتتاح مجلس و تصویب آن می‌داد .

در این اثنا حمله ملتیان به طهران و تبدیل سلطنت آن اوضاع را بهم زد. بعداز تشکیل دولت جدید نیز زهر تشبثی برای تحصیل وجهی از بانکها و دولتین شد همه تعلیق به افتتاح مجلس و تصویب آن می‌گردید. با آنکه دولت کمال احتیاج را داشت و ضرورت فوری مجبور به آن اقدامات معلوم می‌نمود در ابتدای افتتاح مجلس هیئت و زرای عظام پروگرام خود را به مجلس تقدیم نموده و مجلس بالاتفاق پروگرام آنها را و خودشان را پذیرفت و یکی از اصول پروگرام تکلیف يك استقراض خارجی تقریباً به مبلغ بیست و دو کروی بود که پنج کروی آن نقداً بشکل مساعده دریافت و جزو بودجه سال جدید شود که کفایت تشکیل اردوهای نظامی به عده سی هزار قشون منظم و میسر نماید و باقی بعدها برای پرداختن حساب جاری بانکها و قروض دستی دولت بکار خورد .

چنانکه می‌دانید مجلس اجازه تقاضای این استقراض و دخول مذاکره آن را به وزرا داد که بعداز رسیدن جواب دولتین و ترتیب آن مشروحاً لایحه استقراض به مجلس تقدیم شود که نظر به موافقت و عدم موافقت شرایط مجلس قبول یا رد نماید.

سه ماه بیشتر از اظهار رسمی وزرا به دولتین گذشت و اثری از جواب ظاهر نشده دولت و ملت با کمال بی‌سبری منتظر جواب رسمی دولتین بودند تا بحسب صحت و سقم ترتیب آن یا بگیرد و یا هر چه زودتر برای مجارح بهار و مصارف سال نو فکر دیگر نماید و رجوع به حسیات ملت خود بکند .

تا در این اواخر یعنی دوهفته پیش جواب استقراض به مبلغ چهار کروی تومان با شرایط آن از دولتین رسیده، ولی تا امروز به مجلس شورای ملی تقدیم نشده و گویا میان خود وزرا و دولتین مذاکرات در تعدیل شرایط و غیره جاری است و هنوز خبر رسمی از این باب به مجلس نرسیده . ولی گویا نظر به آنچه از گوشه و کنار شنیده می‌شود محققاً همت فوق‌العاده ملت در این باب لازم خواهد شد که سلطنت ملی را که به وجودش افتخار داریم از نیازمندی به بیگانگان برهاند و ثابت شود به عالم که ما نه تنها به گرفتن نعمت حریت و حاکمیت ملی و استقلال که آسان است قادریم بلکه به نگاهداری سلطنت ملی و حکمرانی مشروع است که مشکل‌تر است نیز مقتدر و به اداره خاک خودمان لایقیم .

این است که چون صرف نظر از تحصیل وجه مهمی غیر ممکن و مقداری نقد امروزه

روح و حیات و اسباب نجات مملکت است ملت ایران در داخله و خارجه خصوصاً طهران و عراق و مشهد و رشت و بالاخص تجار معتبر طهران و هم مخدرات اسلامی در پای تخت به جنبش و حرکت آمده اظهار مهیا بودن خود را برای هر نوع کمک به دولت محبوب خود و قبول هر قسم مالیاتها و استقراض داخلی و اعانه و غیره کرده و می کنند و از نتایج همین اقدام امکان وعدم امکان نجات ایران معین و معلوم خواهد شد.

آقایان مدیران جرائد نیز تشریف آورده و حاضرند . مستدعی هستیم فهرست اسامی اراکل و ایقام شهدای تبریز را به تحقیق و تفصیل درست کرده بتوسط پست ارسال فرمائید . جناب حاجی میرزا آقا نیز حاضر و سلام دارند . حاضرین .

نوشتۀ اقبال یغمائی

از کتاب طرفه‌ها

## باده خواری که عارفی بنام شد

شیخ الاسلام احمد جام ، عارف معروف ، در جوانی تن پرور و عشرت طلب و باده خوار بود . او دوستانی داشت که هر شب در خانه یکی گرد می آمدند ؛ مجلسانه می آراستند ، و تادمیدن صبح به شراب و شادخواری می نشستند . هر دو ماه نوبت به یکی از آنان می رسید . اتفاق را روزی که فردایش نوبت احمد جام بود ناگهان دلش به نور معرفت روشن ، و تائب شد ، و نیت کرد که از آن پس آن کند که رضای خدا باشد . اما چون بیم کرد اگر در آن وقت به یارانش بگوید که توبه کرده است انگارند که بدین بهانه از میزبانی تن زده است چنان که رسمشان بود همه گونه خوردنی فراهم آورد و چند مشک شراب آماده ساخت . چون یارانش به نشاط نشستند سر هر خیک را باز کردند به جای شراب شربت به پیمانه می ریخت . همه در شگفت ماندند . احمد جام به ناچار راز خویش برایشان افشا کرد و گفت من از دیروز تائب شده ام اما برای اینکه مرا به گریز از میزبانی متهم نکنید از همان شراب که همیشه می خوردیم . خیکهارا انباشتم و خواست خداست که به شربت مبدل شده است .

جمله یاران باده خوارش سر به جیب تفکر فرو بردند ؛ بیدار و هوشیار شدند ؛ توبه کردند و به راه خدا رفتند .